

آینه



منشوری برای دولت خدمتگزار

● عباس حاجی‌نجاری؛ هفته‌گذشته زمانی که رقابت گسترده و البته ملال‌انگیز طیف‌های مختلف جریان اصلاحات و اعتدال بر سر انتخاب اعضای کابینه دوازدهم، مامیت انتلاف مصلحتی آنها در آستانه انتخابات را آشکار کرد و نشان داد که فراتر از مصالح ملی، سهم‌خواهی در کابینه نقطه نقل اصلی در این رقابت‌هاست، برخی از افراد و رسانه‌های مرتبط با این جریان کوشیدند هزینه عدم توافق را متوجه رهبری کرده و درصدد القای این ادعا برآمدند که تک‌تک اعضای کابینه با نظر رهبر انقلاب انتخاب می‌شوند. این امر سبب شد که پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با انتشار بیانیه‌ای، ضمن تکذیب این ادعا، تأکید کرد که رویکرد ایشان در همه دولت‌ها، حمایتی و دورنگه‌داشتن دولت‌ها از حاشیه‌ها و هدایت آنها به میدان خدمت، اقدام و عمل است که نتیجه طبیعی آن سرافرازی و موفقیت برای دولت و نظام است. در بیانیه دفتر همچنین بر این نکته تأکید شده که حساسیت اصلی رهبر انقلاب، در انتخاب مسئولان و دولت‌ها معطوف به این منطق بود که فلسفه وجودی مسئولان در نظام اسلامی، خدمتگزاری به مردم است و باید مسئولانی انتخاب شوند که به مسئولیت به عنوان فرصتی برای خدمت و جلب رضای خداوند و بندگان او بنگرند، نه آنکه مسئولیت را همچون غنیمت و طعمه‌ای بدانند و آن را وسیله‌ای برای بیشتر چنگزدن به دنیا و جلب سخط خدا و خلق...

کیم‌سان

این‌هم‌از‌تضمین‌اروپایی‌ها!

● بلوری جعفری؛ ...روسیه به همراه ایران و کره‌شمالی در این تحریم‌ها، از سوی آمریکا هدف قرار گرفته‌اند. روس‌ها، با اخراج ۷۵۵ دیپلمات آمریکایی، مصادره دو ساختمان متعلق به آمریکا در کشورشان و چند تهدید شدید و گفتمند، روابط بین دو مناسبی به دشمنی‌های آمریکا داده‌اند طوری که یکی از دیپلمات‌های آمریکایی پس از مصادره این ساختمان‌ها اعلام کرد، روس‌ها به آنها حتی اجازه ندادند، لوازم شخصی‌شان را بردارند! ترامپ و تیلرسون، وزیر خارجه آمریکا هم با مشاهده همین واکنش‌ها به غلط‌کردن افاده و گفتمند، روابط بین دو کشور آن‌قدر کاهش یافته که به مرز خطرناکی رسیده است و اینکه به‌هیچ‌وجه از تحریم روس‌ها خوشحال نیستند و اگر می‌توانستند آن را رد می‌کردند. کار به جایی کشید که دمتری مدودف توییت کرد، ترامپ در ماجرای تحریم‌ها، به شدیدترین شکل ممکن، تحقیر شد و نشان داد، قدرت اجرایی ندارد. مدودف این را هم نوشت که، با امضای این تحریم‌ها، همه امیدها به بهبود روابط بین دو کشور که ترامپ به دنبال آن بود، از بین رفت. روسیه در نهایت اعلام کرد، آمریکا با این تحریم‌ها، به مسکو، اعلان جنگ تجاری داده است...

ایران

باروخانی ۱۴۰۰

● سیدرضا صالحی‌امیری؛ ... رویکرد اعتدالی روحانی در سال ۹۲ که اینک با اقبال بی‌نظیر مردم در انتخابات بیست‌ونهم اریدهشت ۹۶ به گفتمان غالب جامعه تبدیل شده است، در همه وجوه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارای اصول و شاخص‌های

روشن بوده و هست. رویکرد سیاسی روحانی مبتنی بر مشارکت مردم، اعتماد و انسجام ملی، امنیت ملی و توجه به حقوق شهروندان است. همچنان که در بعد سیاست خارجی او بر تعامل با دنیا، تأمین منافع ملی از طریق مذاکره و گفت‌وگو و ایفای نقش مؤثر در تحولات منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. کاهش فشار و افزایش رفاه مردم، مهار تورم و ایجاد رونق در بازار سرمایه، توزیع عادلانه ثروت و مبارزه با فساد و رانت ازجمله رویکردهای دولت روحانی در عرصه اقتصاد محسوب می‌شود. هم‌زمان رویکرد اجتماعی روحانی به نگاه آسیب‌شناسانه به مسائل این حوزه، بر ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، ایجاد امنیت اجتماعی و توانمندسازی شهروندان از طریق به‌پادان به سازمان‌های مردم‌نهاد استوار است...

سازات

امید، تدبیر صحیح در ناوبری اجرایی کشور

● حامد حاجی‌حیدری؛ ... توصیه ما به آقای روحانی این است که برای شروع یک فصل تازه در دولت دوازدهم، به صورت شفاف و روشن با دیگران ارتباط مثبت برقرار کنيد. بر وسوسه‌های تضاد دیالکتیکی که چپ‌های علاج‌ناپذیر، مدام در شبیور آن می‌نوازند فائق آید و عزم جزم فرمایید تا با همه نیروهای کشور کار کنید و بیهوده تضاد به جامعه تزریق نفرمایید. یک مدیر ارشد کارآمد، مدیری است که اهداف خود، اولویت‌های کاری و ضرب‌الاجل‌های موجود را به شکل شفاف و صریح با همه نیروهای عمل‌کننده کشور در میان بگذارد و با همین شفاف‌سازی بتواند هم‌سر اعتبار خود نزد نیروها بیفزاید... اگر رئیس‌جمهور در برقراری ارتباط مؤثر یا در بیان صریح اغراض خود موفق نباشد، نخواهد توانست از توجه نیروهای کشور برای منظور خود بهره‌برد... توصیه خالصانه ما به آقای روحانی این است که طوری رفتار کنید که به کسانی که به شما رای نداده‌اند ثابت شود که شما گزینه بهتری بوده‌اید. این ذهنیت خیلی خوب و مثبتی است که یک سیاست‌مدار می‌تواند داشته باشد.

سمیرا دردشتی؛ شهرنشینیی

در ایران به طور تاریخی برای زنان مستلزم رانده‌شدن به حوزه خصوصی؛ یعنی خانه‌ها یا اندرونی‌ها بود. در اغلب سفرنامه‌های برجای‌مانده از سیاحان، به‌ویژه در دوره قاجاریه؛ یعنی مقارن با گسترش زندگی شهرنشینی در ایران، به این امر اشاره شده است که زنان شهری در مقایسه با زنان روستایی و عشایر دارای آزادی عمل کمتری بوده و تقریباً در حیات اجتماعی شهر نقشی نداشتند. بااین‌حال زن

سنتی نیز در محدوده زیست خود قلمرو و نهاد‌های

ویژه‌ای را ترتیب داده بود که عموماً به دایره آگاهی سنتی او شکل می‌دادند. مکان‌هایی مانند مسجد، بازار، حمام و گردهمایی‌های عمدتاً زنانه نظیر روضه‌خوانی‌ها و میهمانی‌ها پایگاه‌های زن ایرانی را تا پیش از ورود مظاهر مدرنیته به ایران تشکیل می‌دادند.
دفاع از زن سنتی
برخلاف تصور عمومی، زن ایرانی در دوران پیشامدرن منفعل، ستم‌دیده و ناکارآمد نبوده است. به عبارت دیگر باید ادعا کرد این‌ تصویر بیش از آنکه بازنمایی واقعیت تاریخی باشد، در نتیجه تاریخ‌نگاری مردانه و به دلیل غیاب زنان از جریان تاریخ‌نگاری ایران از یک سو و روایت‌های مردسالارانه، به‌ویژه در قالب سفرنامه‌های اروپایانی که موفق به برقراری ارتباط با زنان ایرانی نمی‌شدند، شکل گرفته است و تصویری منفعل، مظلوم و ستم‌دیده از زن سنتی ایرانی به دست می‌دهد. حال آنکه چنین زنی به تعبیر وبر، دارای مجموعه‌ای از ایستارهای ذهنی برای کارهای روزمره خود بوده و این نظم را عادی و غیرقابل تخطی می‌پنداشت‌ه است. بنابراین زنی که در سنت می‌زیست تنها در قضاوت افراد بیرون از سنت که امکان مقایسه نداشتند، دارای وضعیت نا عادلانه بود، اما خود معمولاً نظم موجود را پذیرفته و آن را عادلانه می‌پنداشت. تاریخ‌نگاری ایرانی نیز نه از سر تعمد، بلکه به جهت عادی تلقی شدن نظم حاکم بر روزگار چندان به سراغ وضعیت زنان به طور مشخص نرفته است. همان‌طور که حتی مردان خارج از قدرت نیز در این تاریخ‌نگاری جایگاهی ندارند. به‌علاوه به نظر می‌رسد بازنمایی صورت‌گرفته از این زن، ناقص و یک‌جانبه بوده و عمدتاً از سوی مردان اروپایی شکل گرفته است که با کنج‌کاوی تمام تلاش می‌کردند راهی به حرمسراها داشته باشند. حال آنکه در مقایسه با روایت‌های این افراد، روایت زنان اروپایی از زنان شرقی تعدیل شده و به واقعیت زندگی این جمعیت نزدیک‌تر است. از جمله «لیدی شیل»، همسر «جاستین شیل»، سفیر انگلستان در دوره ناصرالدین‌شاه که به شماری از زنان ایرانی معاشرت می‌کرد و به حرمسرا نیز رفت‌وآمد داشت، در سفرنامه خود بسیاری از تصوراتی را که در مورد زنان ایران وجود دارد نادرست می‌داند و در یادداشت‌های خود به تواتر در مورد رفتار و سبک زندگی این زنان سخن گفته است.

زن ایرانی در آستانه تسجد

برای شکل‌گیری اینجند مدرن لازم است که افراد از وضعیت منفعلانه خارج شده و به سوژگی یا عاملیت دست پیدا کنند. قبل از گذار افراد یک جامعه از این مرحله، دستیابی آنان به دیگر مظاهر مدرنیته و نهاد‌های مدرن امکان‌پذیر نیست. چنین گذاری مستلزم آگاهی است؛ یعنی افراد جامعه باید با آگاهی از وضعیت خود نسبت به جهان خارج درصدد تغییر آن برآیند.

جنسیت اگرچه یک عنصر هویت‌بخش به حساب می‌آید، اما آگاهی افرادی به جنسیت برای شکل‌گیری هویت فعال کافی نیست، بلکه باید هویت جمعی شکل گیرد که از طریق تعریف خود به‌عنوان زن، خواستار به‌دست‌گرفتن سرنوشت خود و دخالت در آنچه بر این سرنوشت مؤثر است، باشند. شکل‌گیری چنین هویتی به یک بزنگاه تاریخی برای پیوند هویت‌های منفرد نیازمند است. ایرمن و جیمسون عقیده دارند که جنبش‌های اجتماعی نقشی واسط و مهم در «تبدیل شناخت روزمره به شناخت حرفه‌ای» ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر این جنبش‌ها منجر به آگاهی بیشتر نزد شرکت‌کنندگان و حامیان آن می‌شود.

نخستین حرکت‌های زنان که در آن می‌توان حرکت به‌سوی سوژگی را دنبال کرد، به پیش از مشروطه بازمی‌گردد و بیش از آنکه عناصر مدرن را بتوان در آن جست‌وجو کرد، عمدتاً در امتداد سنت خودآگاهی جنسیتی دست نیافته‌اند و برای حقوق خود تلاش نمی‌کنند، اما خود را از اندرونی که دست تاریخ‌نگاری مردانه از آن کوتاه بود، به بیرون پرتاب می‌کنند و در اثر حضور در اجتماع در متن تاریخی نیز بازنمایی می‌شوند و جالب آنکه این حضور اولیه با تشویق مردان و اتفاقاً مراجع مذهبی صورت می‌گیرد و تکلیف تلقی می‌شود.

حادثه قتل گریبایوف، جنبش تنبako و شورش نان چند نمونه از مهم‌ترین نمودهای حضور زنان ایرانی در عرصه اجتماعی است. گریبایوف نماینده دولت روسیه تزاری بود که در جریان انقصاد عهدنامه ترکمانچای وارد ایران شد و پس از توقف

سیاست

نگاهی به نقش زنان در جنبش‌های منتهی به مشروطه



عتیله antoin sevraguin

را داریم که می‌کوشند گفتمان زنان را در جامعه نهاده‌ین کنند.

انسداد در مسیر حرکت

نیمه پنهان یک انقلاب

در تبریز به تهران رفته تا به خدمت فتحعلی‌شاه برسد. از آنجا که او هم‌زمان مأموریت داشت که بردگان تبعه روسیه را از ایران بازگرداند، یکی از خواجگان ارمنی دربار که از اهالی گرجستان بود به او پناه برد و از آنجا که در دربار و حرمسرا رفت‌وآمد داشت، فهرستی از زنان گرجی را در اختیار نماینده روسیه قرار داد. از آن جمله دو زن ارمنی در خانه الهیخاران آصف‌الدوله بود که اسلام نیز آورده بودند. گریبایوف در پیغامی خواست تا این زنان به سفارت روسیه فرستاده شوند تا درباره کیفیت حضورشان در ایران تحقیق شود، اما زمانی که این دو نفر به سفارتخانه فرستاده می‌شوند، بازگردانده نشده یا به روایتی به سفارت پناهنده شدند. در این زمان در اثر شکست در جنگ، نفرت از روس‌ها به اوج رسیده بود و حضور دو زن مسلمان در سفارت روسیه، خشم عمومی را در پی داشت. مردم از زن و مرد به تحریک می‌زامسج مجتهد، به سفارت روسیه حمله کردند. گریبایوف از ترس خود، زنان را از سفارتخانه بیرون فرستاد و دستور داد آغایعقوب در میان مردم پول پخش کند، شاید غائله فرو نشیند اما این‌گونه نشد، جمعیت خشمگین بلافاصله آغایعقوب را کشند و سپس به داخل اقامتگاه گریبایوف وارد شدند و او و همراهانش را نیز از پای درآوردند.

در این ماجرا اگرچه غیرت دینی مردم عامل کنشش آنها شده بود اما این یکی از معدود حرکت‌های مردمی تا آن زمان علیه سلطه بیگانگان به شمار می‌رفت و حتی خشم جمعیت عصبانی، شاه و فرزندانش را نیز بی‌نصبی نگذاشت تا جایی که مأموران ناچار شدند تا خاتمه غوغا برای ساعاتی دروازه‌های ارک را ببندند. زنان در این حرکت هم علت بودند و هم در کنار مردان عامل؛ هرچند این عاملیت با واسطه دین و مردان تحقق یافت. در رابطه با جنبش تنباکو نیز همین وضعیت صادق است. در این جنبش نیز شعارها به واشریعتا ووالسلاما معطوف بود اما این یکی از معدود کنشش زنانی که تا پیش از این تاریخ‌نویسی از آنان سخی به میان نمی‌آورد، به جز در رابطه با ندسیسه چینی‌های درباری، این‌بار خبره‌کننده بود و جالب آنکه این کنش اگرچه بیشتر در پایتخت و چند شهر بزرگ نمود پیدا کرد اما به طبقه خاصی از زنان محدود نماند. این جنبش پیش از انقلاب مشروطه مهم‌ترین تلاش مردم ایران برای رسیدن به سطح سوژگی بود

که به صورت توانمان دارای عناصر ضداستعماری و ضداستبدادی است. حادثه دیگری که در آستانه مشروطه نقش اجتماعی زنان را پررنگ کرد، شورش نان بود. بر سر آشک‌سالاری و قطعی تولید نان کاهش پیدا کرده و از کیفیت آن کاسته شده بود به‌گونه‌ای که نانواپیان از خاک و مواد دیگری به منظور افزایش حجم آرد استفاده می‌کردند. این امر نارضایتی عمومی را در پی داشت و در صف نخست این نارضایتی زنان بودند که زمان بازگشت ناصرالدین شاه از شکار جلوی کالسکه شاه را گرفته و به این وضعیت اعتراض کردند. آنها تا رسیدگی دولت به وضعیت نان به اعتراضات خود ادامه دادند و حتی در چندین نوبت با مأموران حکومتی درگیر شدند.

در این اعتراض نیز فقر و گرسنگی علت اعتراض بود و زنان چیزی جز نیاز اولیه خود و خانواده‌هایشان را مطالبه نمی‌کردند. به غیر از این موارد گزارش‌های محدودی در رابطه با تلاش‌های قلمی و انقلابی زنان در شهرهای دیگر ایران نیز در همین دوران در دست داریم. در تمام این جنبش‌ها زنان نقش آفرینی می‌کنند ولی آگاهی آنان وابسته است و کنش آنها معمولاً در امتداد کنش مردان و رهبران مذهبی به وقوع می‌پیوندد.

حرکت به سوی سوژگی

بزنگاه تاریخی آگاهی زنان ایرانی اما چندان دور نبود و تمرین‌های گذشته در این مسیر راهگشا می‌نمود چراکه دست‌کم درهای اندرونی را گشوده و جامعه برای حضورشان اعلام نیاز کرده بود. بنابراین از آغازین روزهای انقلاب مشروطه زنان به شکل‌گیری انجمن‌های مخفی و نیمه‌مخفی زنان یکی دیگر از نخستین نمودهای سوژگی زن ایرانی است که نسبت به گذشته عناصر مدرن بیشتری پیدا می‌کند. مقارن با انقلاب مشروطه انجمن‌های زیادی مانند حریت نسوان، مخدرات وطن، انجمن یک سعادت زنان که شمار نسبتاً قابل‌توجهی از زنان را نیز به خود جذب کردند، شکل گرفت و این در حالی بود که قانون اساسی مشروطه حقی برای زنان قائل نشده بود اما دست‌کم این فضا را پدید آورد که آگاهی از حقوق برای آنان میسر شود. تلاش برای حق رای، نوع پوششش و قوانین مربوط به خانواده از جمله سر فصل‌های مبارزاتی زنان بود. در این

انجمن‌ها زنان ضمن تلاش برای ایجاد نهادهای مدرن می‌کوشند اراده خود را بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی تحمیل کنند. این زنان که عمدتاً از طبقات بالا بودند، توانستند در این قالب نویافته، مدارس دخترانه تأسیس کنند، کلاس‌های آموزش بزرگسالان ترتیب دهند تا آگاهی را در میان زنان ایرانی ارتقا دهند و به علاوه نحوه مشارکت خود را در جریان جنبش‌های اجتماعی هماهنگ کنند. همچنین در این دوره نخستین نشریات زنان را داریم که می‌کوشند گفتمان زنان را در جامعه نهادینه کنند.

انسداد در مسیر حرکت

نخند این عملییتی باید منجر به شکل‌گیری حرکتی برای انتقال این احساس به جامعه می‌شد اما به چند دلیل حرکت زنان ایرانی – دست‌کم در بدو شکل‌گیری– بدل به جنبشی فراگیر برای انتقال به جامعه نشد و پس از آن نیز بسیار کند و سردرگم به مسیر خود ادامه داد. به‌گونه‌ای که با گذشت بیش از یک قرن از پدیدآمدن بارقه‌های زن مدرن در ایران، همچنان سخن‌گفتن از وجود چنین هویتی از زن محل تردید است. هرچند حرکت از شرایط انفعالی به سوژگی در بسیاری از موارد به

طی یک فرایند دشوار و طولانی نیازمند است اما سوژگی نزد زنان ایرانی توانست تکامل پیدا کند تا از درخواست دولت در ایران حضور داشت، تلاش زنان ایرانی در آستانه مشروطه را این‌گونه توصیف می‌کند: «زنان ایرانی از سال ۱۹۰۷م به یک جنبش بسیار مترقی شکل دادند و اگرچه ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی بااین‌حال از ترقی‌یافتگان عالم محسوب می‌شد. آن اقدامات زنان خیالات مدرسه قرن‌ها را خراب و فاسد نمود و هیچ خللی هم به صحت این قول وارد نمی‌شود…» و می‌افزاید: «ما

که اروپایی و آمریکایی هستیم، پس از زمان‌های دراز به شرکت‌دادن زنان مغرب‌زمین در معاملات، علم، ادب، فیزیک و پلیتیک عادت کردیم اما چه می‌توان گفت درباره زنان محجوب و پرده‌نشین مشرق قریب که به فاصله کمی، استاد، مدیر جراید و بانای کلوب زنانه و نطاق مضامین پلیتیکی شده و با کمال قوت مشغول به ترویج و ترقی خیالات مهمه مغرب‌زمین می‌باشند».

به جز شرکت در اعتراضات که در بسیاری از موارد هم‌پای مردان مشارکت داشتند، از جمله در جریان بست‌نشینی در حرم عبدالعظیم و سفارت انگلستان که دو حرکت اساسی در مسیر پیروزی انقلاب بود، زنان در حمایت از مردان تلاش بسیاری کردند. به علاوه زنان در دو قضیه دیگر پس از پیروزی نظام جدید مشارکت فعال داشتند. نخست در جریان تأسیس بانک ملی که پس از تصویب قانون اساسی یکی از نخستین اقدامات مجلس شورای ملی برای جبران کمبود نقدینگی، تأسیس بانک بود. اما این امر در شرایطی که روسیه و انگلستان

در اسمر مالی ایران حضوری فعال داشتند، بسیار دشوار بود، به‌ویژه که ایران به این کشورها به‌هنگار و برای تأسیس بانک نیز به وجه نقد نیازمند بود. «سیدجمال‌الدین واعظ» در یک سخنرانی از مردم درخواست نمود که برای تأسیس بانک پول بدهند و این دعوت بلافاصله مستجاب شد. زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که مشارکت آنها چشمگیر بود. آنها جواهرات خود را نزد بانک ودیعه گذاشتند و در تهران حدود یک میلیون تومان پول جمع‌آوری شد. این حرکت زنان در روزنامه‌های آبان دوران بازتاب زیادی پیدا کرد و روایت‌های مختلفی از زنانی که یگانه دارایی‌های خود را در اختیار بانک قرار داده بودند، نقل می‌شد. پس از مشروطه جریان دیگری شاید به تاسی از نهضت ملی هند برای تحریم منسوجات انگلیسی در ایران پدید آمد. هواداران این‌ جنبش بر این باور بودند که عدم خرید منسوجات خارجی وابستگی کشور را به خارج کم می‌کند، یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی که از این جنبش هواداری کردند، زنان بودند. بسیاری از آنها که تا پیش از این پارچه‌های اروپایی را مایه تفاخر می‌دانستند، از خرید آن خودداری کرده و با پارچه‌های وطنی برای خود و فرزندانشان لباس می‌دوختند و دیگران را هم به این امر تشویق می‌کردند.

شکل‌گیری انجمن‌های مخفی و نیمه‌مخفی زنان یکی دیگر از نخستین نمودهای سوژگی زن ایرانی است که نسبت به گذشته عناصر مدرن بیشتری پیدا می‌کند. مقارن با انقلاب مشروطه انجمن‌های زیادی مانند حریت نسوان، مخدرات وطن، انجمن یک سعادت زنان که شمار نسبتاً قابل‌توجهی از زنان را نیز به خود جذب کردند، شکل گرفت و این در حالی بود که قانون اساسی مشروطه حقی برای زنان قائل نشده بود اما دست‌کم این فضا را پدید آورد که آگاهی از حقوق برای آنان میسر شود. تلاش برای حق رای، نوع پوششش و قوانین مربوط به خانواده از جمله سر فصل‌های مبارزاتی زنان بود. در این

نیمه پنهان یک انقلاب

نیمه پنهان یک انقلاب

نگاه

راه درازی که زنان آمده‌اند



دکتر الهام ملک‌زاده.

● اهمیت و نقش اسطوره‌ها در ساختن باورها و حافظه تاریخی بشری، بازخوانی نقش زنان اسطوره‌ای ایران را هم شامل می‌شود. با این ملاحظه، شاید اولین ردپای حضور زنان در سیاست، خردورزی و کاربست اعتدال زنانه را باید از آن زن اسطوره‌ای ایرانی دانست. آنجا که سیندخت، با تحلیل صحیح و گزینش راه و روش منطقی در «تدبیر منزل» و «تدبیر مدرن» به‌عنوان همسر و مهربان مادر رودابه، فراتر از نقش سنتی پشتیبان همسر و دخترش، در کسوت حامی کرامت و شخصیت انسانی خود، به‌عنوان بزرگ‌ترین سرمایه بزرگ انسانی اقدام کرد و با پذیرش مأموریتی خطیر و حضور در دربار کابل از سیم خواست با خویش‌نماداری و پذیرش بلدادی پسرش زال و رودابه دختر مهربان، دو سرزمین ایران و توران را گرفتار آتش تعصب، خشم و غرور نکند. توصیف باشکوه این سفارت و وظیفه خطیر سیاسی با قلم شورانگیز فردوسی، نه با صفات مردانه، بلکه به سبب رفتارهای زنانه‌ای به تصویر کشیده شده که خردمندی و عقلانیت را توانمان به کار گرفته است. دیرینه‌ترین حضور زنان ایرانی در سیاست‌های کلان کشور فراتر از دغدغه‌های مادرانه و خواهرانه، مربوط به دربار هخامنشیان است.

ایران بعد از اسلام، نمونه‌های مختلفی از حکمروایی و سیاست‌ورزی زنان با سیاست را به چشم دیده که در مقایسه با مردان هم‌دوره خود، بعضاً کارنامه برجسته‌تری داشته و مصدر تحولات بزرگی شده‌اند. تا آن‌جا که به‌عنوان روایتی مشهور در افواه عمومی ماندگار شده و تا امروز هم مانده است. وقتی که سلطان محمود غزنوی، به سبط متصرفات خود می‌انداخت، در لشکرکشی به سرزمین ری و در مواجهه با کشیزین‌دشت همسر فخرالدوله دیلمی، نخستین زن حاکم شیعی، با این چالش بزرگ روبه‌رو شد که سیده ملک‌خاتون، وی را خطاب قرار داد و گفت: اگر بر من فائق آیی که همه گویند بر زنی پیروز شدی و برای تو خفاری نیست، اما اگر از من شکست بخوری که خیلی برایت گران تمام می‌شود؛ چون همگان گویند که از زنی شکست خورد، حال چه می‌کنی؟ نتیجه مدبرانه و سیاست‌مدارانه حاصل از این کلام خردمندانه، انصراف سلطان محمود از لشکرکشی بود و ادامه سلطنت آل‌ربویه. فرصت‌های محدود زنان باکفایت، مصدر تجربه‌های موقفی می‌شد که با رونق سیاست، جایگاه، شان فردی و اجتماعی زنان تغییر می‌یافت. در هنگام اقتدار سلسله سنتی مردسالاران‌های چون صفویه، زنان صاحب‌رای دربار، در قالب تلاش برای رسیدن خود به خویشانشان به مقامات بالای کشور، با زیرکی در امور دخالت کرده و با تحریک دیگران، به فعالیت سیاسی می‌پرداختند.

نماد تفکر زنان سیاست‌ورز سنتی رادیکال در دوران معاصر و پیش از مشروطه، مهدعلیا همسر محمدشاه است که به قیمت دورماندن ایران از چرخه پیشرفت، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ دستگاه سنتی و دربار ناصری داشت. به دنبال تحولات فکری کشور در تصحیه انقلاب مشروطه و در نتیجه درک صحیح بخشی از زنان فعال، از مفاهیم جدید مورد نیاز مملکت، از جمله مساوات، استیفای حقوق آحاد ملت امع از زن و مرد، حضور زنان رنگ دیگری یافت. ازآن‌جمله نقش آفرینی زنان در نهضت تنباکو، دلاوری و جانفشانی زنان سیاست‌ورز مشهور و گمنام از سردار مریم تا دختر مبارز تبریزی و زینب‌باشا و امثالهم را می‌توان نام برد. با وجودی که در ابتدا زنان خواهان مطالبات صنفی نبودند، به موازات رشد آگاهی سیاسی و شعراهایی چون اجرای قانون برای همه و تشکیل مجلس به‌عنوان سمبل اراده ملت، خواستار به رسمیت شناختن تشکلهای سیاسی زنان از سوی مجلس شدند. برخی نمایندگان، به بهانه غیرضروری‌بودن با این مسئله مخالفت کردند و خواستار دقغ‌شدن این تشکل‌ها شدند.

تجربه سال‌های دوران پهلوی، حکایتی جدید از حضور زنان سیاست‌ورز و تحصیل‌کرده دارد که ضمن وابستگی به خانواده‌های صاحب‌قدرت سیاسی، امکان عضویت در احزاب را یافتند. پشوتوانه حزبی، قدرتشان را دوچندان کرد. هرگاه حزب‌های متبوعشان قدرت داشتند، آنها نیز قابلیت‌های خود را بهتر عرضه کردند.

آمار منتشره سال ۱۳۵۷، حدود ۳۸ درصد دانشجویان ایران را زنان، هزار و ۵۰۰ مقام‌دار ارشد مدیریتی کشور، ۲۲ زن در مجلس شورای ملی، پنج شهردار و ۳۳ درصد کل مشاغل آموزش عالی ایران را ارائه می‌کند. در جنبش‌های منجر به انقلاب، حضور سیاسی و مبارزاتی زنان، چنان ملموس و اثرگذار بود که رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی (ره) بارها فرمودند این انقلاب بر دوش زنان ایران به پیروزی رسید. زنان مبارزی چون مرضیه ذباغ که نه‌تنها به‌عنوان چریک انقلابی در مبارزات مسلحانه، که در کسوت سفیر ایران در روسیه، ایمان به تدبیر و کفایت نماینده ایران را که حامل پیام رهبر انقلاب به گورباچف بود نشان می‌دهد.

ادامه در صفحه ۷